

درآمدی بر سبک آذری

سجاد رجبی^۱، رقیه دادگر^۲، زهرا علی نیا^۳

۱- سازمان نظام مهندسی ساختمان استان آذربایجان شرقی sajad.rajabi63@yahoo.com
۲- دانشگاه فنی و حرفه ای الزهراء، واحد تبریز، گروه معماری، تبریز، ایران Rogayeh.dadgar24@gmail.com
۳- دانشگاه فنی و حرفه ای الزهراء، واحد تبریز، گروه معماری، تبریز، ایران Zahra.alinia71@gmail.com

چکیده:

با حمله ویرانگر مغولان در اوایل قرن هفتم (۶۱۶ هجری) و سقوط بغداد و پایان دادن به حکومت عباسی در سال ۶۵۶ هجری حکومت واقعی مغولان با نام ایلخانان در ایران آغاز گردید. هولاکو خان نخستین ایلخان مغول مراغه را به پایتختی برگزید. یورش مغولان به ایران خراسان را که جایگاه هنرمندان و معماران ایرانی بود تهی ساخت و هنرمندان و معماران به سرزمینهای جنوبی ایران به پناه فرمانروایان بومی رفتند. جانشینان چنگیز مغول با پذیرفتن دین ایرانی (اسلام) به زبان و ادب پارسی عشق ورزیدند و چون پادشاهان ایرانی بر تخت نشستند، نیاز به بازسازی ویرانی های نیاکانشان پیدا کردند، در آن زمان معماران را از سرزمینهای جنوبی به دربار خود فرا خواندند. این بار از آمیزش ویژگیهای معماری مرکز ایران و جنوب با سنتها و روشهایی که از روزگاران کهن، بومی آذربایجان شده بود، سبک معماری بنام آذری پدید آمد. در این مقاله به روش اسنادی، کتابخانه ای سعی بر معرفی اجمالی سبک آذری شده است.

کلمات کلیدی: سبک آذری، عهد ایلخانان، عهد تیموری، معماری

مقدمه:

سرزمین آذربایجان در معماری ایران در رده نخست اهمیت جای دارد. چرا که سه شیوه پارسی، آذری و اصفهانی از آنجا سرچشمه می گیرد و به سراسر کشور رسیده است. از مشخصه های استفاده شده از آثار به جا مانده «ستاوندیهای چوبی» شبستان ها، نهان خانه های دور بسته و کوشکی آذربایجان است که در شیوه پارسی خود را می نمایند. پس از یورش ویرانگر مغول ها به ایران در اوایل قرن هفتم (۶۱۶ هجری) سراسر ایران بویژه خراسان از هنرمندان و معماران تهی شد و هنرمندانی که زنده ماندند به سرزمین های جنوبی ایران پناه بردند. در سال ۶۵۶ هجری با سقوط بغداد و پایان دادن به حکومت عباسی حکومت واقعی مغولان با لقب ایلخانان در ایران آغاز شد. چون هولاگوخان نخستین ایلخان مغول، حکومت عباسی را بر انداخت، مراغه را به پایتختی برگزید.

چندی نگذشت که جانشینان چنگیز مغول در فرهنگ ایرانی مستغرق شدند، دین ایرانی را پذیرفتند و به زبان و ادب فارسی عشق ورزیدند و چون پادشاهان ایرانی بر تخت نشستند، خرگاه و چادرهای خود را رها کرده و چون ایرانیان کاخ و کوشک و خانه و سرا ساختند. در این راستا هولاگوخان به راهنمایی وزیر دانشمند ایرانی خود خواجه نصرالدین طوسی نخست به ساختن گنجینه ای برای انباشتن دست آوردهای غارت پرداخت و سپس به ساختن رصد خانه ای که مورد علاقه او بود فرمان داد، برای این کار معماران و هنرمندان از سراسر ایران بویژه یزد و کرمان و فارس و آسیای صغیر، به پایتخت فرا خوانده شدند و یا خود برای هنرنمایی به این شهر روی آوردند.

بدین ترتیب شیوه های هنر گذشته را با آنچه بومی شهرهای جنوبی و غربی آذربایجان بود در هم آمیختند و سبک آذری را پدید آوردند و تا هنگامی که شیوه ای تازه را باز هم، برگیره از معماری آن سرزمین بود، به جای آن آمد، در سراسر ایران و کشورهای همسایه به کار رفت.

همانگونه که پارسیان هخامنشی در سر راه خود به جنوب، ستاوندیهای آذربایجان را دیده بودند و آنرا در معماری خود بکار بردند، شگفت است که شاهان صفوی نیز ستاوندیهای بناب و مراغه را به اصفهان بردند و در جلوی کاخ های تازه ساز خود، همانند چهلستون و عالی قاپو، نهادند. روشن است که افزودن این ستاوندیها به کاخ های اصفهان شکوه ویژه ای داده است.

سبک آذری خود به دو دوره قابل تفکیک می باشد:

- الف- دوره اول سبک آذری مربوط به دوره ایلخانی به مرکزیت تبریز
- ب- دوره دوم سبک آذری مربوط به دوره تیموری به مرکزیت سمرقند

دوره اول:

هولاگو بعد از فتح بغداد تمام غنایمی را که از جاهای گوناگون و بویژه از بغداد به چنگ آورده بود با خود به آذربایجان برد و مراغه را پایگاه خویش کرد. هولاگو در سال ۶۶۳ در گذشت. پس از او سلسله جدیدی از سلاطین مغول در این سرزمین تشکیل شد که به ایلخانان نام دارد. آنها تا سال ۷۳۶ با قدرت و بیست سال دیگر با ضعف و زبونی بر ایران حکومت کردند، از جمله آنها غازان خان (۶۹۴-۷۰۲) و سلطان محمد خدا بنده الجاتیو (۷۰۳-۷۱۶) می باشند. در این دوران تبریز و سلطانیه کانون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران بودند. شیوه معماری این دوره (شیوه آذری) از زمان ایلخانان مغول آغاز و تا زمان صفوی ادامه یافت.

غازان خان و وزیرانش خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی و خواجه علی شاه گیلانی (که خود معماری هنرمند بود) ربع رشیدی و مسجد معظم علی شاه را بنا کردند. سلطان محمد خدا بنده که مذهب شیعه را پذیرفته بود، در زنجان گنبد و شهری به نام سلطانیه ساخت، و وزیران و بزرگان دربار خود را وا داشت که هر کدام برای خود خانه و مدرسه و مسجد و کاروانسرا و بازار بسازند.

در این زمان بناها را با خشت پخته یا خام و سنگ لاشه یا کلنگی با شتاب و بدون نما می ساختند، نمای درونی و برونی آن را گاهی با پوسته ای از آجر یا اندود گچ می پوشانند و بدینسان آمود یا نماسازی الحاقی در همه جا مرسوم شد. کم کم آجر معمولی جای خود را به سفال نقشین و کاشی لعابدار داد، گره سازی آجری و آجر و کاشی درهم به نام معقلی و کاشی معرق معمول شد. گچ بری، اندود گچ و نقاشی روی گچ در نمای ساختمان ها در سطحی گسترده تر رایج گردید. در این شیوه از انواع پوشش های گنبدی و طاقی استفاده می شد. گنبد نخست بر روی طاق بندی با خیز کم یا زیاد و پوشش دو پوسته پیوسته و یا گسسته با گریو یا بدون گریو (استوانه زیر گنبد) بر پای می گشت.

در دوره اول این شیوه، سازندگان در ساخت بعضی از عناصر معماری اشتباهاتی داشتند. این موضوع حتی در ساخت شهرها نیز صدق می کند. بطور مثال الجاتیو به دلیل علاقه به چمن سلطانیه که مورد پسند او بود سلطانیه را پایتخت خود می سازد ولی می دانیم موقعیت شهر طوری است که اگر طبیعی نباشد و کشش طبیعی نداشته باشد زود از بین می رود و با وجود اینکه او برای رونق شهر مسیر راه ها را نیز عوض می کند اما پس از مرگش شهر متروک شده و بعدها در دوره صفویه برای لشکر کشی، محل اطراق قرار می گیرد.

در دوره اول شیوه آذری که دوره آمیختگی با شیوه های قبلی و همینطور معماری محلی آذربایجان است از کلایل آذری که در آذربایجان رایج بوده، استفاده شده است. چفت پنج او هفت بجای اصول ترسیمی درست آن با نسبت های پنج و هفت ساخته می شود، که این خود باعث تغییرات شکلی در آن شده است. درگاه اصلی گنبد سلطانیه و درگاه اصلی مسجد جامع یزد به این صورت هستند. این نقیصه بعدها توسط قوام الدین و زین العابدین شیرازی اصلاح می شود.

همچنانکه در ویژگی های این شیوه گفته شد از تنوع خاصی برخوردار است. در دوره اول شیوه تعدادی از بناها علاوه بر ویژگی های محلی، از نظر ابعاد و اندازه نیز نسبت به شیوه های قبلی بعد از اسلام بزرگتر ساخته شده است. در ارگ علیشاه دهانه ایوان آن چهار گز از ایوان مدائن بزرگتر بوده است. مقبره الجاتیو نیز با دهانه ای در حدود ۲۴ گز (در حدود ۲۵/۵۰ متر) در زمان خود بزرگترین گنبد و بنای اسلامی شناخته می شد.

خلاصه ویژگی های دوره اول سبک آذری:

(معماری قرون ۷ و ۸ هجری قمری)

- ۱- نظام حکومتی: متمرکز (دیکتاتوری خارجی)
- ۲- نظام اقتصادی: قوی
- ۳- نظام مذهبی و اجتماعی: سلطه همراه با جبر و خشونت
- ۴- ادامه شیوه رازی با انجام اصلاحاتی در طراحی و سازه بنا
- ۵- مقیاس های گسترده، پلان های متنوع تر، شکل و کاربردها بیشتر
- ۶- در نماسازی عمدتاً از ترکیب در هم گره استفاده می شد
- ۷- استفاده فراوان از تزئینات گچ بری شده، سفالینه در نمای خارجی و داخلی
- ۸- ابداع کاشی هفت رنگ رزین فام و کاشی نقش برجسته
- ۹- قراردادن آجر با سفالینه منقوش در بندهای عمودی و آجری بنا
- ۱۰- ساخت بناهای سترگ و عظیم
- ۱۱- توجه به تناسبات عمودی بنا
- ۱۲- تنوع در ایوان سازی و ساخت ایوان با پلان مستطیل شکل

دوره دوم:

آرامش نسبی دوره ی ایلخانان دیری نیاید، در ۷۸۲ هجری، تیمور به ایران حمله کرد و بار دیگر قتل و غارت، شهرهای آباد و پر جمعیت ایران را فرا گرفت. تیمور در طول زندگی خود سرزمین های وسیعی را، از چین تا مصر و از دهلی تا استانبول و مسکو، پایمال اسب سپاهیان خود ساخت.

پس از درگذشت تیمور، شاهرخ در ۸۰۷ هجری به حکومت رسید و پس از وی به ترتیب الغ بیک، ابوسعید و سلطان حسین میرزا به حکومت رسیدند. در دوره ی شاهرخ مجدداً آرامش به ایران بازگشت و ابداع آثار هنری، مانند معماری بار دیگر شکوفا شد. در پایان عهد تیموری سلسله های جداگانه ای مانند آق قویونلو و قراقویونلو در ایران به وجود آمدند و هنوز پنجاه سال از ظهور نگذشته بود که ولایات ایران به جز خراسان از دست تیمور خارج شد. تیمور پس از فتوحات خود شهر سمرقند را به پایتختی انتخاب کرد و برای آبادانی پایتخت خویش، معماران و هنرمندان را به سمرقند دعوت کرد. این هنرمندان به ایجاد بناهای متعدد اقدام کردند و سرانجام در قرن نهم، سمرقند مرکز ابداعات هنرهای اسلامی شد. هنرمند بزرگ قوام الدین شیرازی، معمار معروف قرن نهم هجری، در ایجاد بناهای عام المنفعه سهم خاصی دارد. از میان پسران و نوادگان تیمور، شاهرخ که در حیات پدر حکومت خراسان و طبرستان و ری را برعهده داشت، تنها کسی بود که علاوه بر لشکر کشی و اداره مملکت به معاشرت با علما و ادبار موقت می گذرانید. در سال ۸۵۰ در ری درگذشت و پسران او هم مانند پدر دوستدار علم و علما و خود مردی دانشمند بودند و مشهورترین آنها یکی میرزا بایسنقر بود که در هرات سکونت داشت. پسر دیگر شاهرخ، میرزا الغ بیک بود که به ریاضیات و نجوم علاقه وافر داشت. مقرر حکومت او شهر سمرقند بود. آخرین حاکم تیمور سلطان حسین بایقرا بود که در عهد سلطنت این پادشاه، تمام نواحی ایران و ماورالنهر دچار اغتشاش و انقلاب بود. در آغاز این عصر دانشمندان و ادبار و شعرای بزرگی زندگی می کردند و حال آنکه در پایان عهد از شمار شعرای بزرگ و مردم متفکر و دانشمندان مشهور بسیار کاسته شد. پس رونق علم و ادبی آغاز دوره مغول را باید مرهون دوره قبل یعنی دوره پرورش این مشاهیر علم و ادب دانست. دانشمندان، ادبار و دیگر متفکران این دوره که می توان مختصراً در اینجا نامی از آنها آورد عبارتند از:

در علم تاریخ عطاملک جوینی، رشید الدین فضل الله، و صاف، حمدالله مستوفی و بیضاوی، در نظم فارسی، شیخ فرید الدین عطار، مولوی، سعدی، کمال الدین اسماعیل، عراقی، خواجوی کرمانی، عبید زاکانی، حافظ شیرازی، شاه نعمت الله ولی، جامی و دانشمندان بزرگی چون خواجه نصرالدین طوسی، غیاث الدین جمشید کاشانی، علامه حلی، قطب الدین شیرازی و ... در این دوره، در خراسان بزرگ و بخصوص در سمرقند و بخارا، از انواع چفتهایی که غیب الدین جمشید کاشانی در کتاب خود، مفتاح الحساب ترسیم کرده است، استفاده شده است.

انواع طاق ها بخصوص نوع کاربندی در این دوره معمول شده است در اینجا کاربندی به عنوان چاره و ضرورت در فرم های تکراری مطرح است و مانند دیگر عناصر به صورت استاندارد شده در می آید نمونه های بسیار زیبای آن را می توان در مدرسه غیاثیه خرگرد و مقبره شیخ جام و بسیاری از بناهای دیگر مشاهده نمود. طاق آهنگ و تویزه و نوع خوانچه پوش آن در شبستان های کناری مسجد یزد دیده می شود. گنبدها در شیوه آذری به روش ها و شکل های گوناگون ساخته شده اند، متداول ترین نوع آن، گنبدهای دو پوسته گسسته با پوشش بیرونی نار می باشد.

تعداد زیادی از بناهای بخصوص در خراسان بزرگ با این روش ساخته شده اند. این گنبدها علاوه بر نیاز پوششی ساختمان مسئله شکلی - نمادی آن را نیز به نحو خوبی حل می نماید برای ساخت این گنبد از عناصری به نام خشخاشی در داخل پوسته گنبد بیرونی استفاده می شده است. ساقه های این گنبد به دو صورت گریو واربانه بوده است. در بعضی مواقع این ساقه ها ارتفاعی بیشتر از ۱۰ متر نیز داشته اند گنبدهای بارگاه امام رضا، مسجد گوهرشاد، مدرسه دودر مشهد، مسجد امیر چخماق یزد، مقبره سلطان بخت آباد در اصفهان، مقبره شاه نعمت الله ولی در کرمان، گور امیر در سمرقند، مدرسه گوهر شاد هرات و بسیاری از بناهای دیگر با گنبدهای گسسته نار ساخته شده اند که از گنبدهای دو پوسته پیوسته نیز در تعدادی از بناهای مثل بقعه سید رکن الدین و مسجد ازیران و دیگر بناها استفاده شده است.

تعداد زیادی از مقابر در دوره دوم به صورت برونگرا و با نقشه های چهار گوش ساخته شده اند. مجموعه شاه زنده سمرقند که مزار تعداد از امیران تیموری در آنجا قرارداد با پلان چهار گوش و اغلب آنها با گنبدهای گسسته نار ساخته شده اند. تیموریان نیز مانند ایلخانان به ایجاد بناهای مذهبی و غیر مذهبی علاقه نشان دادند و از نظر طرح و شیوه معماری از نقشه ها و طرح های متداول آن زمان بهره بردند. از نظر تزیینات بنا این دوره از ادوار مهم اسلامی است. شیوه تزیین با کاشی معرق در عهد تیموری حکایت از آن دارد که هنرمندان این دوره در شیوه تزیینی به حد اعلا ی مهارت دست یافته بودند، به طوری که در کمتر دوره ای این چنین کاشیکاری مشاهده شده است. مساجدی مانند گوهرشاد مشهد، کیود تبریز، مدرسه خرگرد خراسان، مسجد جامع تیمور در سمرقند و همچنین بناهای ساخته شده در بخارا و هرات، نشان دهنده برجستگی هنر کاشی کاری و کاربرد آن در بناهای مذهبی است.

در قرن نهم هجری و در دوره دوم بوسیله شاگردان مکتب خواجه نصر الدین طوسی، رصد خانه ای بزرگی ساخته شده رصد خانه سمرقند و زیچ الغ بیک، بوسیله فرزند شاهرخ و نوه تیمور که بکار ستاره شناسی علاقه فراوان داشت ساخته شد. دوره تیموری اوج معماری سبک آذری می باشد.

خلاصه ویژگی های دوره دوم سبک آذری:

- ۱- نظام حکومتی: متمرکز و قوی
- ۲- نظام اقتصادی: قوی و مقتدر
- ۳- نظام مذهبی و اجتماعی: حاکمیت اسلام همراه با جبر و خشونت
- ۴- پلان ها متنوع تر، حجم ها موزون تر، مقیاس ها گسترده تر
- ۵- ایوان ها بلندتر، منارها به هم نزدیکتر، ستون ها باریک تر و قوس ها رفیع تر
- ۶- رواق های اطراف مساجد و مدارس غالباً تبدیل به ایوانچه و حجره های دو طبقه می شود
- ۷- ایجاد تحول و اصلاحات اساسی در طراحی و سازه بناها
- ۸- ساخت ساقه (گلوگاه) بین فضای گنبد و گنبد خانه
- ۹- ایجاد سطوح ناصاف در تمامی بنا
- ۱۰- تنوع در بکارگیری انواع گنبدهای دپوش پیوسته و گسسته، قوسی ها، عرقچین ها، کاربندی، طاق بندی، مقرنس و ...
- ۱۱- استفاده از کاشی کاری های معرق و گره در پوشش گنبدها و نماهای خارجی و داخلی بناها
- ۱۲- تنوع در انواع رنگ های کاشی مانند آبی کبالت، فیروزه ای، زرد، زعفرانی، بادمجانی، سفید، شیری، سبز شفاف و ...

اصطلاحات معماری سبک آذری:

گنبد دو پوسته، گریو، چنبره، شکنج، کاربندی، یزدبندی، طنبی چهل ستون، کلیل آذری، طاق نما، حجره، خانقاه.

بناهای سبک آذری:

شنب غازان، ربع رشیدی، رصدخانهی مراغه، ارگ علیشاه در تبریز، مدرسه و تکیه ای امیر چخماق، زندان اسکندر یا مدرسه ی ضیاییه در یزد، مسجد جامع ورامین، گنبد سلطانیه یا مقبره ی اولجایتو، حرم امام رضا (ع)، مقبره ی شیخ صفی الدین اردبیلی، مسجد کیود تبریز یا جهانشاه، مدرسه ی امامی اصفهانی، مسجد جامع یزد، مسجد گوهرشاد، مجموعه ی تاریخی سنگ بست، مقبره ی شاه نعمت الله ولی در ماهان کرمان، مدرسه ی غیاثیه خردگرد در خواف، مسجد جامع عتیق شیراز، مقعه هارونیه در توس، گور امیر تیمور در سمرقند، مزار شیخ احمد جام در تربت جام، مقبره ی سلطان بخت آغا در اصفهان، مسجد و مدرسه ی طلاکاری در سمرقند، مجموعه ی آرامگاه های شاه زند در سمرقند، مدرسه ی گوهرشاد در هرات،

مسجد بی بی خاتون در سمرقند، مدرسه ی میر عرب در بخارا، کاروانسرای انجیره در جاده یزد - طبس، کاروانسرای چهار
آباد در جاده ی نطنز - اصفهان، پل قافلانکوه، منارجنبان.

منابع:

- افشار، ا، یادگارهای یزد، انجمن آثار ملی ایران، ۱۳۵۴.
- پیرنیا، م، آشنایی با معماری اسلامی ایران، انتشارات سروش دانش، ۱۳۸۷.
- پیرنیا، م، سبک شناسی معماری ایرانی، نشر معمار، ۱۳۸۳.
- پیرنیا، م، شیوه های معماری ایران، نشر هنر اسلامی، ۱۳۶۹.
- پیرنیا، م، گنبد در معماری ایران، مجله اثر، شماره ۲۰، ۱۳۷۰.
- دونالد، ویلبر، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانی، ترجمه عبدالله فریاد، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۵.
- رسولی، هف تاریخچه و شیوه معماری ایران، نشر پشتون، ۱۳۸۶.
- زمرشیدی، ح، مساجد ایران، انتشارات کیهان، تهران.
- صفا، ذ، خلاصه تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۶.
- فلامکی، م، مرمت شهری، چشم اندازها و نگرانی ها، فصلنامه ی هفت شهر، شماره ی اول، ۱۳۷۹.
- قبادیان، و، سفر نامه ناصر خسرو، به کوشش نادر وزین پور، امیر کبیر تهران.
- کارنگ، ع، آثار باستانی آذربایجان، انجمن آثار ملی، تبریز، ۱۳۵۱.
- کیانی، م، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۶.
- کیانی، م، یادگارهای رباط شرف، انتشارات سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، ۱۳۷۰.
- میردانش، س، آشنایی با بناهای تاریخی، شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران، ۱۳۸۱.
- نگهبان، ع، مروری بر پنجاه سال باستانشناسی ایران، تهران، میراث فرهنگی، ۱۳۷۶.
- نگهبان، ع، شهرنشینی و شهرسازی از هزاره چهارم تا هزاره اول، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۵.
- هرمان، جورجینا، تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان، ترجمه مهرداد وحدتی، نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۳.
- هنر فر، ل، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ثقفی اصفهان، ۱۳۵۵.